

گفت و گو



بخش پنجم

داستان اعتیاد در ایران

گفت و گو با سعید مدنی

داستان اعتیاد در ایران سرگذشت تمام‌جسدمی رنج‌ها و مصائب جامعه ایران است، این رنج‌ها نه عذاب آسمانی است و نه پاداشی متناسب با توانایی‌ها، استعدادها و شان این ملت، بلکه تنها و تنها نتیجه ناتوانی‌ها، جوانتها و سوء مدیریت کسانی است که به دلیل بی‌مسئولیت مداخلات برای کنترل و کاهش این مشکل را عهده‌دار شدند. اکنون دیگر جای هیچ شکنی نیست که مسئله اعتیاد مشکلی ملی است که به شدت منافع ملی ما را در معرض تهدید قرار می‌دهد. بر این اساس بحث و گفت‌وگو برای شناخت این پدیده و جست‌وجوی راه‌های کنترل و کاهش آن وظیفه خطیر همه علاقه‌مندان به ایرانی آباد، آزاد و توسعه‌یافته است. برتردید برای شناخت دلایل و عوامل بحران کنونی و روند روبه‌گسترش اعتیاد راهی جز نقد و ارزیابی گذشته نیست، از این رو گفت‌وگو با سعید مدنی را درباره اعتیاد در ایران با تمرکز بر دوره وقوع جنگ (۱۳۶۸-۱۳۵۹) ادامه می‌دهیم.

جنگ و اعتیاد

■ اشاره کردید که با شروع جنگ نقش و موقعیت آیت‌الله خلیفای در مدیریت مبارزه با اعتیاد کاهش یافت، آیا این به معنای آن بود که سیاست‌های جدیدی در این زمینه آغاز شده است؟

□ پاسخ به پرسش شما هم مثبت است و هم منفی. در واقع باید تصریح کنم که جانشینان آقای خلیفای در مقایسه با ایشان رویکرد متفاوتی نسبت به سیاست‌های اعتیاد نداشتند، اما از سوی دیگر با آغاز جنگ چاره‌ای جز تجدیدنظر در اولویت مسئله اعتیاد نبود.

در این دوره مدیریت اعتیاد مشابه دوره اول معضل موادمخدر را توطئه‌ای استکباری می‌دانستند که از بیرون به ما تحمیل شده و معتقد بودند که برای از بین بردن آن تمام فعالیت‌ها باید بر کنترل عرضه موادمخدر متمرکز شود. به باور آنها وقتی موادمخدر کم شود، افراد معتاد نیز به تدریج اعتیاد خود را ترک خواهند کرد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۱/۲۷)

بدین ترتیب، بیشترین نیروها و امکانات با هدف کاهش عرضه موادمخدر صرف شد. در پی استعفای آیت‌الله خلیفای، مسئولان در گفت‌وگوهایسی تأکید کردند کار مبارزه با موادمخدر، با وجود استعفای آیت‌الله خلیفای با شدت و قاطعیت ادامه خواهد یافت. پس از استعفای ایشان، دادستان کل انقلاب در اطلاعیه‌ای ضمن تقدیر از نقش مؤثر اقدامات

ایشان و افرادی که صادقانه در این امر مهم همکاری کرده بودند، خواستار مبارزه بی‌امان با قاچاق موادمخدر و قاطعیت در مجازات قاچاقچیان شد. وی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: ضمن تقدیر از خدمات جناب آقای خلیفای با تصویب شورایی عالی قضایی از طرف

مدیریت مبارزه با اعتیاد دهه ۶۰ دوران تسویه حساب بود و کاملاً متأثر از این مسئله که معتادان یا مصرف‌کننده‌های مواد، بازمانده‌های پیش از انقلاب هستند و همه آن چیزی که مربوط به تسویه حساب‌های پیش از انقلاب بود شامل آنها هم می‌شد، یا آن که طبق الگوی انقلاب هنوز وجود داشت معتادان موادمخدر، خائنان به اهداف انقلاب و در نتیجه ضد انقلاب بودند

کمیته مرکزی انقلاب اسلامی مسئولی برای این وظیفه خطیر تعیین شده و سازمان مجری برای مبارزه قاطع و بی‌امان با تشکیل کادر قضایی و اجرایی ... به وجود آمده و بدین وسیله دادستان کل انقلاب از همه افرادی که تا امروز در این مبارزه همکاری داشته‌اند، می‌خواهد که تمام پرونده‌ها و مدارک، اموال و آنچه از موادمخدر در اختیار دارند ظرف ۲۴ ساعت در تهران و با نزدیکترین دادسراهای انقلاب در مقابل اخذ رسید تحویل دهند. ضمناً دادسراهای انقلاب سراسر کشور موظف‌اند بدون دفع وقت با سازمان مذکور همکاری نموده و توسط ضابطین خود قاچاقچیان، تولید کنندگان، فروشندگان، خریداران موادمخدر و همه افرادی را که بخواهند از این فرصت سوءاستفاده نمایند با شدت تعقیب و تحویل دادگاه‌های انقلاب نمایند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۴)

به این ترتیب همچنان که از متن اطلاعیه یادشده نیز استنباط می‌شود، در آغاز دوره دوم مقتدرترین بخش مدیریت مبارزه با اعتیاد در نهاد تازه‌تأسیس دادستانی کل انقلاب متمرکز شد و همه اقدامات تحت تأثیر رویکرد و عملکرد این نهاد قرار گرفت.

مدیریت مبارزه با اعتیاد دهه ۶۰ دوران تسویه حساب بود و کاملاً متأثر از این مسئله که معتادان یا مصرف‌کننده‌های مواد، بازمانده‌های پیش از انقلاب هستند و همه آن چیزی که

وی و پنجم ۸۷ (مبارزه با اعتیاد)

مربوط به تسویه حساب‌های پیش از انقلاب بود شامل آنها هم می‌شد، یا آن‌که طبق الگوی مطلق گرایانه که تحت تأثیر انقلاب هنوز وجود داشت معنادار مواد مخدر خائنان به اهداف انقلاب و در نتیجه ضد انقلاب بودند و باید یا به سرعت ترک می‌کردند و یا ضرورتی برای ادامه حیاتشان وجود نداشت.

همان‌طور که گفتید وقوع جنگ نقش اساسی در سیاست‌های مبارزه با اعتیاد داشت، ممکن است در این مورد توضیح بیشتری دهید؟

در روزهای پایانی تابستان ۱۳۵۹ نیروهای عراقی به مرزهای ایران حمله کردند. به دنبال آن قاچاقچیان بین‌المللی با سوءاستفاده از شرایط جنگی، معاملات قاچاق مواد مخدر و دادوستد با مهره‌های سابقه‌دار و قدیمی را آغاز کردند. در این رابطه سرهنگ بخشگان، رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر شهربانی، در گفت‌وگویی اظهار داشت: «متأسفانه از شروع جنگ به بعد قاچاقچیان مواد مخدر از موقعیت سوءاستفاده کرده و بی‌رحمانه فعالیت گسترده خود را از سر گرفته و به همین مناسبت مواد مخدر و اعتیاد به‌طور وحشتناکی افزون شده و ارزش انواع مواد مخدر به علت فراوانی، مجدداً به نحو بسیار محسوسی کاهش یافته و اگر کار بدین موال پیش برود وضع مواد مخدر و اعتیاد به مراتب تأسف‌بارتر از سابق خواهد شد.» وی علل افزایش مواد مخدر و اعتیاد را چنین برشمرد:

۱- عدم کنترل مرزهای شرقی، ۲- ورود و خروج اتباع بیگانه بدون کنترل، ۳- عدم قاطعیت اکثر دادگاه‌های سراسر کشور، ۴- عفوی مورد زندانیان به مناسبت کمبود جا در زندان‌ها، ۵- تاریکی مداوم شبانه و ۶- فقر و بیکاری. وی افزود: عدم قاطعیت دادگاه‌های ویژه مبارزه با مواد مخدر در سراسر کشور به امر قاچاق مواد مخدر کمک کرده است. ما یک قاچاقچی را با سعی و کوشش به دام انداخته و تحویل زندان می‌دهیم، ولی چند روز بعد می‌بینیم که دوباره آزاد شده و مشغول فروختن مواد مخدر است [و] وقتی علت را سؤال می‌کنیم می‌گویند در زندان‌ها جانیست. طبق قانونی که از شورای

انقلاب گذشته از پنج گرم هروئین به بالا اعدام و کمتر از پنج گرم حبس ابد است، ولی در حال حاضر از کسی که هفت گرم هروئین می‌گیرند او را با هفت روز زندان و مقداری هم به او شلاق می‌زنند و بعد هم او را آزاد می‌کنند. (روزنامه آزادگان، ۱۳۵۹/۱۰/۱۸) در واقع نخستین اثرات مستقیم آغاز جنگ، تسهیل وضعیت برای قاچاقچیان مواد مخدر بود. بعدها چنان‌که پس از این خواهد آمد، اثرات جنگ بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی نیز به‌طور غیرمستقیم زمینه افزایش شیوع مواد را فراهم آورد. در هر حال جنگ، اولویت مبارزه با اعتیاد را پس از انقلاب منتفی ساخت و برای نمونه در پایان سال ۱۳۵۹ بخش بودجه مختصر ستاد مبارزه با مواد مخدر معادل سه میلیارد ریال به مصارف ضروری و قوری مصدومان جنگ اختصاص داده شد.

(روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۱۲/۶) از سوزی دیگر از سال ۱۳۶۱ شواهدی دال بر سوء مصرف مواد در جبهه‌های جنگ موجب شد تا مسئله اعتیاد و جنگ همچنان در صدر حساسیت‌های مدیران نظام قرار گیرد. در این مورد شیرازی رئیس اداره اطلاعات شهربانی در سمینار بررسی مسائل اعتیاد در سال ۱۳۶۱ گفت: مدتی پیش به ما اطلاع دادند که در جبهه‌ها تصمیم دارند مواد مخدر توزیع کنند که با اقدامات لازم خنثی گردید. آیا با این کار نمی‌خواستند از تحریک برادران ما بکاهدند؟ (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۱۴)

اما در مورد اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت جنگ بر شیوع مصرف مواد باید تفاوت قائل شد. وقوع جنگ به‌طور منظم مسئله اعتیاد را برای یکی دو سال اول کاهش داد، زیرا وقتی جامعه بسیج عمومی می‌شود و به حرکت درمی‌آید، معمولاً کج‌روی‌های اجتماعی شروع به کاهش می‌کند. البته پس از مدتی به دلیل طولانی‌شدن جنگ، بازگشت به اعتیاد با شدت و گسترده‌گی بیشتری رخ داد و از قضا حتی در جبهه‌ها هم مسئله شد. با وقوع جنگ، اولویت مبارزه با اعتیاد به اولویت دوم یا چندم فعالیت‌های کل نظام سیاسی ایران تبدیل شد.

این اتفاق هم قانونمند بود. وقتی منابع جامعه به‌سوی یک مسئله حیاتی مانند حفظ سرزمین و آب و خاک بسیج می‌شود، بخصوص با آن هیجانی که آن موقع وجود داشت، هر چیز دیگری در درجه دوم اولویت قرار می‌گیرد. آن بسیج عمومی باعث شده بود که اعتیاد از یک مسئله حاد خارج شود، زیرا جامعه قبح و زشتی زیادی برای آن قائل بود. همزمان با این شرایط گرایش به بسیاری کج‌روی‌ها از جمله اعتیاد هم کاهش یافت، اما با طولانی‌شدن جنگ، بویژه در زمانی که جنگ حالت نه صلح و نه جنگ داشت و زمین‌گیر شدن نیروها در دو طرف وجود داشت با رخنه باند‌های مواد مخدر به مناطق جنگ روبه‌رو می‌شویم.

آیا مهاجرت ساکنان مناطق جنگی به دیگر شهرها نیز بر وضعیت اعتیاد اثری داشت؟

قطعاً. با جابه‌جاشدن جمعیت به دلیل جنگ و پدیده جنگ‌زدگان در این دوره مسئله توزیع و فروش مواد مخدر ابعاد گسترده‌تری یافت. درگیری‌های میان مردم محلی و جنگ‌زده‌ها را فراموش نکنیم، بخشی از این درگیری‌ها به کج‌روی‌ها مربوط می‌شد، برای نمونه این مشکل در شیراز کاملاً حاد بود، چون مردم معتقد بودند که فرهنگ ما تحت تأثیر فرهنگ آبادانی و خوزستانی قرار گرفته، حتی این را می‌توانید در اصفهان نیز مشاهده کنید. کسانی بودند که زندگیشان را از دست داده بودند. در مشهد، یکی از مناطق نزدیک کوی طلاب به مرکز فروش مواد مخدر تبدیل شده بود. در فولادشهر هم این مشکل را داشتیم. کسانی که خانه‌شان را رها کرده بودند و مایملکشان چیزی بود که توانسته بودند همراه خودشان بیاورند، جمعیت بسیاری بودند که رها شده و بیکار بودند و این مسئله کج‌روی‌ها را گسترش داده بود. مسئله دیگر هم این که به دلیل اولویت جنگ و همچنین فضای انتقاد آمیز نسبت به عملکرد آقای خلیفای کنترل‌ها کم شده بودند. جامعه درگیر جنگ بود و تلاش می‌شد با افراد جنگ‌زده درگیری ایجاد نشود و برخوردهای قهری با آنها صورت نگیرد. مافیای مواد مخدر و توزیع‌کننده‌های مواد

آمار احکام صادر شده علیه مجرمین مواد مخدر در فاصله سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۰

احکام قضایی	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴
اعدام	۱۶۳	۵۲	۱۲۸	۱۹۷	۵۱
بیشتر از ۱۰ سال زندان تا ابد	۲۳۷	۳۱۲	۱۱۲۱	۳۷۵	۱۰۲۴
۱ تا ۱۰ سال زندان	۳۱۴۷	۲۶۷۴	۳۳۱۰	۲۳۰۷	۴۱۳۲
کمتر از یکسال زندان و آزاد شده	-	۱۶۰۱۱	۱۲۱۴۴	۱۲۳۷۳	۱۱۶۱۱

از این شرایط هم سوءاستفاده جدی کردند.
■ گفته شده که در جریان بمباران شهرها روند تمایل به مصرف مواد افزایش یافت. نظر شما در این زمینه چیست؟

□ کاملاً صحیح است. موج دوم افزایش گرایش به مصرف مواد زمانی شروع شد که به خاطر بمباران‌های شهری، مردم از شهرها خارج شدند و در کوه و دشت بودند. به قول دکتر پیران روحیه ایرانی هم به دلیل قدرت تطابق در درگیری با مصائب جمعی به فوریت آن شرایط حساد را تبدیل به پیک‌نیک کرد. بارها مشاهده می‌شد که زن و شوهر جیغ می‌زنند، بچه‌ها ترسیده‌اند، دنبال چراغ‌قوه می‌گردند و... خلاصه باریکه را می‌بندند و سوار ماشین می‌شوند، اما ۲۰ کیلومتر آن طرف‌تر یک‌دفعه صدای موسیقی می‌آید و همه دور هم نشسته‌اند و شادی می‌کنند. این روحیه طبعاً زمینه اعتیاد را در برخی اقلات و گروه‌ها تقویت کرد. البته نباید این الگو را به همه مردم تعمیم داد، این لایه‌ها را باید از هم جدا کرد. به هر حال از یک‌سو کنترل کم شد، مسئله اعتیاد اولویت چندم شد و از سوی دیگر جابجایی‌ها فرصت نیرو گرفتن برای توزیع‌کننده خردده‌های مواد مخدر فراهم کرد. شرایط جامعه و نگرانی‌ها این مسئله را تشدید کرده و زمینه‌ای پدید می‌آید پس از جنگ فراهم شد.

■ عقیده که جانشینان آقای خلیلی نیز همان سیاست‌های او را دنبال کردند و از این نظر تفاوتی بین آنها وجود نداشت؛ ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید؟

□ سیاست کلی آقای خلیلی و جانشینان وی تشدید مجازات و برخورد شدید قضایی با قاچاقچیان، فروشنده‌گان خرد و مصرف‌کنندگان بدون کمترین اولویت‌گذاری بود. به همین دلیل در این دوره هم موج اعدام‌ها همچنان ادامه داشت و در مطبوعات اخبار حاکی از اعدام قاچاقچیان مواد مخدر مستمراً منتشر می‌شد.

البته در این دوره در مقایسه با دوره آقای خلیلی روند بررسی قضایی و صدور احکام اعدام با دقت بیشتری به اجرا درمی‌آمد. از اوایل سال ۱۳۶۰ برخی از اعدام‌ها در ملاعام انجام شد که انتقادهایی را برانگیخت، به دنبال آن آقای زرگر در مورد اعدام قاچاقچیان در ملاعام اظهار داشت: مسئله اعدام قاچاقچیان در ملاعام مسئله‌ای بود که بعد از مدت‌ها بحث مبادرت به آن کردیم و نتیجه‌ای که می‌خواستیم از آن بگیریم، گرفتیم. بعد از اعدام این افراد تلفن‌های زیادی به ما شد که از این کار ما قدر دانی و تشکرات زیادی شد. در همان روزها قیمت

با جابه‌جاشدن جمعیت به دلیل جنگ و پدیده جنگ‌زدگان در این دوره مسئله توزیع و فروش مواد مخدر ابعاد گسترده‌تری یافت. درگیری‌های میان مردم محلی و جنگ‌زده‌ها را فراموش نکنیم، بخشی از این درگیری‌ها به کج‌روی‌ها مربوط می‌شد

هر دین از ۱۰۰ تومان به ۲۵۰ تومان رسید که نشان می‌داد این برنامه اثر خود را گذاشته است. هدف ما در خیابان اعدام کردن قاچاقچی نبود و نیست، بلکه هدف ما از این کار ریشه کن کردن قاچاق مواد مخدر است. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۱/۱۸)

همان‌طور که می‌بینید بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌هایی که امروزه ادعا می‌شود برای برخورد با مجرمان و برقراری نظم اجرا می‌شود در گذشته سابقه جدی داشته و در همان زمان هم تصور می‌شد اثرات مثبتی دارد، اما امروز که به گذشته می‌نگریم بی‌حاصل بودن این برنامه‌ها و سیاست‌های تشدید مجازات و برخوردهای صرفاً قضایی به خوبی روشن می‌شود. در آن زمان هم تصور می‌شد اجرای حکم اعدام در ملاعام، سیاست کارآمدی است. به یاد دارید که در ماجرای برخورد نیروی انتظامی با اراذل و اوباش که همین سال گذشته به اجرا درآمد، دوباره این روش پیش گرفته شد که پس از اعتراض‌های بسیار، رئیس قوه قضاییه دستور توقف آن را داد. متأسفانه ظاهراً هیچ‌کس مایل به ارزیابی این همه خطا در سی سال گذشته نیست.

اما در مواردی سیاست‌های مدیران پس از آقای خلیلی در صدور حکم اعدام بی‌پروا تر از وی بود، برای نمونه در سال ۱۳۶۰ به گفته آقای زرگر، نماینده دادستانی کل انقلاب در دادسرای مبارزه با مواد مخدر، تمامی احکامی که آیت‌الله خلیلی در زمینه مواد مخدر صادر کرده بود مجدداً بررسی شد. وی همچنین گفت: برای این منظور چهار نفر از حکام شرع از قم به اینجا آمدند و ما کلیه پرونده‌های زندانیان را در اختیار این آقایان قرار دادیم که در حال حاضر در کلیه پرونده‌ها تجدید نظر شده است و نتایج این بررسی‌ها نشان داد ۶۴ نفر از اشخاصی که علیه سنسگینی جرائم‌شان به آنها تخفیف داده

شده بود پس از رسیدگی مجدد آنها به اعدام محکوم شدند. ضمناً عده‌ای هم به حبس‌های طولی‌المدت محکوم شده بودند که پس از رسیدگی، حبس‌های این افراد کم شده و عده‌ای نیز مشمول عفو قرار گرفتند. در حال حاضر فقط احکام صادره اموالی که حجت‌الاسلام خلیلی صادر کرده بود تحت بررسی است که پس از تحقیقات کامل به دادگاه فرستاده خواهند شد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۱۱/۲۶)

در اوایل سال ۱۳۶۱، دادسرای مبارزه با مواد مخدر، طی اطلاعیه‌ای گزارشی در باره بررسی مجدد پرونده‌های مواد مخدر در دوره قبل را اعلام کرد. متن اطلاعیه به این شرح بود: در پی رسیدگی به پرونده‌های گذشته و عضو امام خمینی شش تن از قضات شرع مشغول رسیدگی به پرونده‌های زندانیان شدند. حجت‌الاسلام زرگر در بازدید از زندان قول حصار اظهار داشت: تمامی پرونده‌های گذشته مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۲۶) [پیوست ۸۴] علاوه بر تهران در احکام دادگاه‌های ویژه مبارزه با مواد مخدر شهرستان‌ها نیز تجدید نظر شد. در اصفهان جواد فرخنده، نماینده دادستان کل انقلاب، برای رسیدگی به شکایات و عملکردهای دادگاه‌های سابق ویژه مبارزه با مواد مخدر که بعداً به نام «ستاد مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر» زیر نظر دادسرای انقلاب اسلامی اصفهان اداره می‌شد به اصفهان اعزام شد. وی در گفت‌وگویی اظهار داشت: دو گذشته عملکردهای مذکور مطابق قوانین نبود. [بدین معنی که به‌طور نادر شکل قانونی به خود گرفته است و این مسئله یکی از علل انحلال این دادگاه‌ها بود. (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۶)]

وضعیت بحرانی و سرعت زیاد افزایش شیوع سوء مصرف مواد و اعتیاد در سال‌های پایانی دوره دوم مدیریت اعتیاد، مجدداً مدیران مربوطه را به تشدید اقدامات قضایی و بازداشت‌ها و ادار ساخت، از این رو آنها با حفظ رویکرد خود مجدداً تلاش‌هایی را به منظور سامان بیشتر فعالیتهای کاهش عرضه انجام دادند. افزایش سریع متهمان دستگیر شده در رابطه با مواد مخدر در سال‌های پایانی دوره دوم مدیریت اعتیاد حاکی از این اراده جدی برای اجرای برنامه‌های مقابله با عرضه از یک‌سو و شیوع روزافزون اعتیاد از سوی دیگر بود.

در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷

سال	جمع کل	سهم دستگیرشدگان از کل جمعیت (درصد)
۱۳۵۸	۹۸۶۷	۰/۴
۱۳۵۹	۱۲۳۸۵	۰/۵
۱۳۶۰	۱۶۶۳۰	۱
۱۳۶۱	۱۹۱۶۰	۱
۱۳۶۲	۴۹۲۱۱	۲
۱۳۶۳	۵۵۹۶۶	۲
۱۳۶۴	۳۲۴۲۲	۱
۱۳۶۵	۴۱۱۲۹	۲
۱۳۶۶	۷۸۰۳۷	۳
۱۳۶۷	۹۲۰۴۶	۳

■ **ظاهراً این سیاست تشدید مجازات هم همیشه پس از مدتی با بن بست روبه‌رو شده و متوقف می‌شود؛ آیا در آن دوره هم چنین شد؟**

□ در بهمن‌ماه ۱۳۵۹ اعلام شد که پرونده معتادان زندانی مجدداً با دقت بررسی شده تا اگر در میان آنها معتادان ترک اعتیاد کرده وجود داشته باشند، در صورتی که تمهید کتبی بدهند بازگشت به اعتیاد نخواهند داشت، از زندان آزاد می‌شوند. عنوان این خبر در مطبوعات چنین بود: آزادی معتادان زندانی ادامه دارد. (روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۱۱/۲۷) در ادامه این خبر آمده بود: **دادسرای مبارزه با مواد مخدر، به‌زودی فعالیت‌های همه‌جانبه خود را در جهت ریشه کن کردن اعتیاد و قاچاق مواد مخدر گسترش خواهد داد.** به‌زودی شعبات دادگاه‌ها افزایش پیدا خواهند کرد تا سریع‌تر بتوانند پرونده معتادان و قاچاقچیان را مورد رسیدگی و اظهار نظر قرار دهند. (روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۱۱/۲۷)

در آن زمان هیچ کس اقدام به انجام ارزیابی و بازمینی سیاست‌ها و برنامه‌ها نکرد، در نتیجه پس از مدتی سیاست «انکار» در پیش گرفته شد. به این معنی که بسیاری از مدیران احساس می‌کردند اگر به مقوله مواد مخدر به صورت آشکار و شفاف پرداخته شود، ارزش‌های انقلاب زیر سؤال می‌رود و شاید برای مردم این سؤال مطرح شود که پس شما مسئولان چه کاره‌اید و در حال انجام چه کاری هستید؟ فکر می‌کنم مدیران وقت احساس می‌کردند بهترین شیوه، همان رویکرد مقابله‌ای، بگیری و بیند، زندان، شلاق و اعدام است و به این ترتیب جامعه دچار التهاب نخواهد شد.

■ **کنفید با شروع جنگ، کنترل مرزهای شرقی هم به‌خوبی انجام نمی‌شد و آنجا دروازه ورود مواد شده بود. در این مورد بیشتر توضیح دهید؟**
□ در این دوره حجت‌الاسلام زرگر، نماینده

دادستان کل انقلاب اسلامی ایران در دادسرای مبارزه با مواد مخدر بود و تقریباً می‌توان گفت که همان سمت آقای خلخالی را در دوره قبل داشت. ایشان در گفت‌وگویی سال ۱۳۶۰ در مورد فعالیت‌های دادسرای مبارزه با مواد مخدر در زمینه جلوگیری از ورود مواد مخدر از طریق مرزهای کشور گفت: در مورد کنترل بیشتر مرزهای کشور برای جلوگیری از ورود مواد مخدر صحبت‌هایی با مقامات مسئول شده است که صحبت‌ها دارد به نتیجه می‌رسد و برای کنترل بیشتر مرزها اقدام به ایجاد ستادی در داخل شده است. این ستاد از سوی شورایی عالی قضایی و با اجازه کتبی کمیته مرکزی تشکیل شده است. گروه ضربت یا کاشف نیز در داخل همین ستاد است که این گروه در سراسر مملکت دارای شعباتی است و مأموران آن با تمام قوا و تلاش شبانه‌روزی مشغول مبارزه با قاچاق و قاچاقچی می‌باشند. این گروه‌های ضربت در سراسر کشور زیر نظر ستاد مرکزی که در دادسرای مبارزه با مواد مخدر می‌باشند فعالیت می‌کنند و افراد آن نیز مسلح می‌باشند. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۱۱/۱۸) با وجود تمهیدات بالا همچنان کنترل مرزها با دشواری بسیار روبه‌رو بود، به طوری که سرهنگ بختگان در سمیناری که در سال ۱۳۶۱ برای بررسی علل گسترش اعتیاد تشکیل شد به بازبودن مرزهای افغانستان، پاکستان و ترکیه اشاره کرد و گفت: پاره‌ای از افغانه زیر پوشش مبارزه با کشورشان وارد خاک ایران شده و به توزیع مواد مخدر می‌پردازند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۱۱)

بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌هایی که امروزه ادعا می‌شود برای برخورد با مجرمان و برقراری نظم اجرا می‌شود، در گذشته سابقه جدی داشته و در همان زمان هم تصور می‌شد اثرات مثبتی دارد، اما امروز که به گذشته نگاه می‌کنیم بی‌حاصل بودن این برنامه‌ها و سیاست‌های تشدید مجازات و برخورد های صرفاً قضایی به خوبی روشن می‌شود

البته علاوه بر مقامات قضایی، مسئولان اجرایی نیز بر کنترل مرزهای شرقی تأکید داشتند، برای نمونه مهندس موسوی، نخست‌وزیر و رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر در دیدار با خانواده شهدا ضمن تأکید بر لزوم از بین بردن مسئله اعتیاد در کشور گفت: ما زمانی می‌توانیم ریشه اصلی قاچاق مواد مخدر را از بین ببریم که مرزهای خود را از شرق کشور حفظ کنیم، اگرچه این امر امری دشوار است، اما دولت اقدامات قاطعی را در دست دارد تا از ورود مواد مخدر جلوگیری نماید و مجلس شورای اسلامی با قرارداد مبلغ ۷۰۰ میلیون تومان در اختیار دولت امکانات بیشتری را فراهم آورده است تا در این زمینه برخورد قاطع شود. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۳/۹)

بنابراین به دلیل این که بخش اصلی نیروهای نظامی در مرزهای جنوبی و غربی مستقر بودند امکان کنترل مرزهای شرقی نبود و ورود مواد برای قاچاقچیان چندان دشوار نبود.

■ **آیا در این دوره افرادی نبودند که نادرستی سیاست‌ها را گوشزد کنند و مسئولان امر را وادار به تجدیدنظر کنند؟**

□ البته در لایه‌های اسناد یا روزنامه‌ها با نقادی برخی از افراد نسبت به برنامه‌ها و سیاست‌ها روبه‌رو می‌شویم، اما در میان منتقدان نیز رویکرد روشن و جدی ملاحظه نمی‌شود و بیشتر آنها نیز بر طبل تشدید مجازات و برنامه‌ها و استراتژی‌های کاهش تقاضای کوبند. به‌رحال رویکرد مبارزه با عرضه موفق نبود و هر یک از مسئولان و مدیران در این باره نظری داشتند، اما نظرات آنها مبتنی بر یک جمع‌بندی روشن و دقیق از تجارب قبلی نبود، برای نمونه آقای شمس لاریجانی، رئیس زندان‌های کشور در گفت‌وگویی، در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود اعمال مجازات‌های شدید، هنوز ریشه قاچاق نخشکیده است، اظهار کرد: همان‌طور که استحضار دارید من شروع خدمتم در اداره مبارزه با مواد مخدر و ستاد مبارزه با مواد مخدر بود که عضو این تشکیلات هم بودم، لذا مدتی این مسئله را بررسی کردیم و طرح‌هایی هم تهیه شد متأسفانه به نظریاتی که به صورت بنیادی پیش‌بینی کرده بودیم که انجام شود و نتیجه قطعی به دست آید انجام نشد و نتیجه عمل آن شد که ملاحظه کردید و ثمره‌ای حاصل نشد چون کارها بر طبق یک برنامه بنیادی نبود، به این ترتیب که مسئله معتاد و مسئله قاچاق باید هم ردیف و با یک سیستم انجام می‌شد چرا که از گرفتگی و کشتن، ملاحظه کردید که [چه] نتیجه‌ای عاید شد و هم اکنون قاچاقچی‌هایی که در آن زمان مابینشان بودیم و با ۲۰۰ کیلو مرین

و هروئین دستگیر شدن می کردیم امروز با چهار صد کیلو دستگیری می شوند. این نشان دهنده آن است که نتیجه‌ای عاید نشده است. مابیش بینی کردیم که بیابند و تشکیلات صحیحی را برای مبارزه با مواد مخدر برقرار کنند و در این باره طرح‌ها و پیشنهادهایی از طرف شهرداری تهیه شد و ماعتیده داشتیم که تمام امور مبارزه به اشخاص با مهارت واگذار شود و بودجه و وسایل کافی در اختیارشان قرار دهند تا آنها بتوانند با اطلاعات جامع، مبارزه صحیحی را دنبال کنند و همان طور که ملاحظه کردید اقداماتی که در مورد کشف چهار صد کیلو مواد مخدر شد و یکی از بهترین خدمات و کارهایی است که بعد از انقلاب برای اجتماع ما به وسیله اداره مبارزه با مواد مخدر انجام شده است. چه خوب بود که این افراد را تقویت می کردند تا بتوانند بهترین کار و خدمت را در این رابطه انجام دهند. (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰/۳/۹)

دقت در این اظهارات نشان می‌دهد که مسئولان وقت تعریف واضح و دقیقی از کاربنیادی و ریشه‌ای نداشتند، در واقع برخی به این نتیجه رسیده بودند که روش‌های مبارزه از نقایص جدی برخوردار است، اما هنوز تحلیل دقیقی از علل آن نداشتند و در انتهای هر اظهار نظر و پیشنهادی دوباره عملاً و به شکلی دیگر به رویکرد کاهش عرضه رجوع می‌کردند. در این خصوص سررهنگ نعمت‌اللهی، رئیس اکیپ ششم اداره مبارزه با مواد مخدر، اظهار داشت: در زمینه مبارزه با مواد مخدر نه اینکه تاکنون اقدامی نکرده‌ایم، ولی شواهد و قراین نشان می‌دهد که قاچاق و مصرف مواد مخدر فزونی یافته است و من به جهان هشدار می‌دهم که بشریت در خطر است؛ خطری مهلک و بزرگ و اگر با مسئله مواد مخدر به‌طور جدی و بنیادی برخورد نشود در ۲۰ سال آینده کشورهای بزرگ باید هزینه‌های معادل بودجه عظیم تسلیحاتی را به امر مبارزه با مواد مخدر و معالجه معتادین خود اختصاص دهند. اینکه اگر از کسی چند سانت فزضه هروئین بگیرند و سپس او را در خیابان اعدام کنند راه حل بنیادی مسئله نیست و فقط مبارزه با معلول است. (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰/۲/۱۵) به هر حال مدیریت اعتیاد ضمن آن که به تدریج به اشکالاتی در فعالیت‌های مبارزه با اعتیاد در گذشته پی می‌برد، اما هنوز ایده نو و یا برنامه مشخص در این زمینه نداشت و اغلب تصور می‌کرد با تجمع بیشتر نیروهای نظامی و یا امنیتی خواهد توانست به نتایج بهتری دست یابد.

■ مویا در این دوره مسئله نفوذ فساد در مأموران مبارزه با اعتیاد نیز مطرح بود؟

۱ بازار مواد مخدر یکی از پررونق‌ترین و سودآورترین بازارهای جهان است. پول در چرخش این بازار چند صد میلیارد دلار است، بنابراین فسادآور است. پس از انقلاب مانند

در زمان جنگ تصور می‌شد اجرای حکم اعدام در ملاعام، سیاست کارآمدی است. به یاد دارید که در ماجرای برخورد نیروی انتظامی با اراذل و اوباش که همین سال گذشته به اجرا درآمد دوباره این روش را در پیش گرفتند. متأسفانه ظاهراً هیچ کس مایل به ارزیابی این همه خطا درسی سال گذشته نیست

پیش از انقلاب مسئله فساد در مدیریت اعتیاد همیشه مطرح بوده، برای نمونه در خردادماه ۱۳۶۰، تمامی کارت‌های سابق مأموران مبارزه با مواد مخدر باطل شد. روابط عمومی دادستانی مبارزه با مواد مخدر در خصوص تعویض کارت‌های سابق مأموران این دادستانی اطلاعیه‌ای به شرح زیر صادر کرد: به کلیه مأموران این ستاد اعلام می‌گردد [که] از تاریخ نشر این اطلاعیه کلیه کارت‌های سابق دادگاه ویژه مبارزه با مواد مخدر باطل [و] لذا از کلیه مأموران این ستاد خواسته می‌شود کارت‌های سابق خود را در اسرع وقت به این دادستانی مسترد نمایند. در پایان این اطلاعیه آمده بود: از کلیه خانواده‌های انقلابی ایران در خواست می‌شود قبل از ورود مأموران این ستاد به منزلشان دادستانی را از طریق تماس تلفنی آگاه نمایند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۳/۱۸) این تذکرات ناشی از سوءاستفاده‌های مکرر برخی از مأموران فعال در مبارزه با اعتیاد بود که در مواردی به تعطیلی ستادهای مبارزه با مواد مخدر شهرستان‌ها انجامید، برای نمونه در اواخر اردیبهشت ۱۳۶۰، ستاد مبارزه با مواد مخدر کاشان تعطیل شد و هشت عضو این ستاد دستگیر شدند. ستاد مبارزه با مواد مخدر کاشان به علت نفوذ افراد ناصالح در آن و شکایت مردم به وسیله سپاه پاسداران این شهر و به حکم دادسرای انقلاب اسلامی تعطیل شد و تعدادی از افراد ستاد نیز فراری شدند. پرونده افراد بازداشت‌شده جهت رسیدگی به دادسرای انقلاب اسلامی کاشان فرستاده شد. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۲/۳۱)

در ادامه سیاست پاکسازی و در گرماگرم فعالیت‌های مبارزه با مواد مخدر و دستگیری و اعدام قاچاقچیان، ناگهان در اواخر مرداد ۱۳۶۰، دادستانی مبارزه با مواد مخدر کار رسیدگی به

پرونده متهمان را یک هفته متوقف کرد. پس از انتشار این خبر تا دو ماه هیچ خبری از ستاد مبارزه با مواد مخدر در مطبوعات منتشر نشد و تقریباً دو ماه به نوعی سکوت خبری حاکم بود. ظاهراً مسئولان امر به این نتیجه رسیده بودند که باید بار دیگر ستاد پاکسازی شود

شاید به دلیل همین رشد فساد بود که در آذر ۱۳۶۳، مجلس شورای اسلامی با تصویب کلیات لایحه اصلاح ماده ۱۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و تبصره یک آن به دولت اجازه داد که حداکثر به میزان ۳۰ درصد از وجوهی که طبق این قانون به حساب خزانه واریز می‌شود، به عنوان حق کشف به کاشفان، مخبران و مأموران انتظامی که در کشف و ضبط قاچاق دخالت داشته‌اند اختصاص دهد. همچنین به موجب تبصره ۴ آن، به دولت اجازه داده شد که ۵۰ درصد از عواید حاصل از اخذ یا مصادره اموال قاچاقچیان مواد مخدر را که به وسیله دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب یا دادگاه‌ها و دادسراهای عمومی گرفته می‌شد، طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزارت کشور رسیده بود، در اختیار مخبران، کاشفان و مأموران انتظامی و سازمان کشف کننده قرار دهد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۳/۹/۲۶)

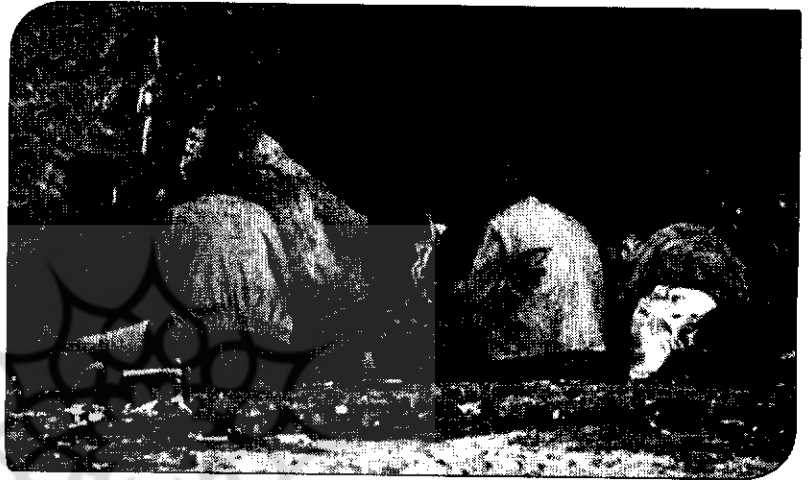
■ بارها از معتادان قدیمی شنیده شده که از ترس و وحشت از اعزام معتادان به جزیره در آن دوران سخن می‌گویند و حتی در سال‌های اخیر نیز نیروی انتظامی طرحی مشابه را مطرح کرد. داستان این "جزیره" چیست؟

همان‌طور که گفتیم سیاست‌های دوران جنگ در مبارزه با اعتیاد کمابیش مانند سیاست‌های دوره مرحوم خلیفای بود، با این تفاوت که به دلیل اعتراض‌های بین‌المللی نسبت به مجازات اعدام در ایران که بیشتر جنبه سیاسی داشت، سعی شد تا حد ممکن حفظ ظاهر شود. در این دوره، به دنبال اجرای طرح جمع‌آوری معتادان، برای نگهداری، درمان و بازپروری آنان به تدریج اردوگاه‌های بازپروری ایجاد شدند. بزرگترین اردوگاه در خارکو، یکی از جزایر غیرمسکونی آب‌های جنوب برپا شد. پیش از بهره‌برداری از اردوگاه خارکو، یکی از اعضای سرپرستی شورای زندان‌ها اظهار داشت: ظرفیت ما اکنون تکمیل است و دیگر نمی‌توانیم مجرمین معتاد را بپذیریم، به خصوص اخیراً اعلام شده که اعتیاد جرم است. امیدواریم به زودی جزیره خارکو کارش را آغاز کند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۱۳)

این جزیره در حقیقت بخشی بود در بندر طاهری که متعلق به نیروی هوایی بود و در واقع جزیره نبود، بلکه یک پیشرفته‌نگی خشکی در آب بود که

معتادان را به آنجا منتقل کرده بودند و به جزیره معروف شد. در آن دوره در سطح کشور، معتادان ولگرد و افرادی که بارها و بارها زندانی شده بودند و تریاک اعتیاد نکرده بودند را دستگیر کرده و به آن به اصطلاح جزیره منتقل می کردند. این افراد دیگر هیچ ارتباطی با دنیای خارج نداشتند. حتی اگر خانواده‌های آنان مکاتباتی با آنها می کردند، این نامه‌ها مستقیماً به آنها داده نمی شد، بلکه اول به تهران آورده و بررسی می شدند که ببینند صلاح است که این نامه‌ها به این زندانی ها داده شود یا خیر و کلاً چه چیزی در آنها نوشته شده است. بیشتر

از سراسر کشور معتادان به آنجا اعزام شوند. جزیره خارکو یکی از برنامه‌های اساسی ما در امسال است. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۱/۳/۸) پس از راه‌اندازی این اردوگاه، به تدریج معتادان سابقه‌دار جمع‌آوری و برای مدتی نامعلوم به جزیره تبعید شدند. (تابنده حقیقی، ۱۳۶۶) به منظور اشتغال به کار معتادان اعزامی دستگاه‌های پلاستیک‌سازی به این جزیره منتقل و قرار شد دستگاه‌های بافندگی نیز به آنجا ارسال شود. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۲/۴) جزیره خارکو تنها اختصاص به معتادانی که



این افراد فکر می کردند که واقعاً در داخل یک جزیره هستند، چون سه طرف آن آب بود و یک طرف خشکی و ارتفاعات راداری بندر طاهری. آقای زرگر یکی از مسئولان ارشد مبارزه با اعتیاد در این دوره در مورد جزیره خارکو گفت: با توجه به این که این محل را خودم نیز رفته و دیده‌ام و برادران نیز این را مناسب دیدند، چون آنجا منطقه‌ای مسکونی نیست. جزیره‌ای است که قبلاً مسکونی بوده و نیروی هوایی قرار بود تأسیساتی به وجود بیاورد و یک مقدار نیز تأسیسات ساخته و چون در حال حاضر خالی است و مثل دیگر جزیره‌های مسکونی مشکلاتی به وجود نمی آورد، در نظر گرفته شد. این جزیره گنجایش ۱۲ تا ۱۰ هزار نفر را دارد و عنقریب [به زودی] هم آماده بهره‌برداری خواهد شد و چون از نظر ما اعتیاد جرم است برای بار اول مدت محکومیت کمتر است و برای بار دوم از یک تا ۵ سال فرد معتاد محکوم به زندان خواهد شد. آنجا جایی است که باید کار شود. ما از وجود معتادان برای عمران و آبادی آنجا استفاده خواهیم نمود و افرادی [را] که چندین بار سابقه اعتیاد دارند بفرستیم [می فرستیم] آنجا. وی افزود: ان شاء... [اگر] امکانات فراهم بشود با کلیه شهرستان‌ها هماهنگ می کنیم تا

در زمان جنگ سیاست «انکار اعتیاد» در پیش گرفته شد به این معنی که بسیاری از مدیران احساس می کردند که اگر به مقوله مواد مخدر به صورت آشکار و شفاف پرداخته شود، ارزش‌های انقلاب زیر سؤال می‌رود

از تهران اعزام می شدند نداشت، بلکه گروه‌ها و دسته‌های معتادان از شهرهای مختلف مرتباً به جزیره اعزام می شدند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۳/۷/۱۹، ۱۳۶۴/۳/۴ و ۱۳۶۴/۶/۱۸) البته غیر از جزیره خارکو جزیره شیرینلو هم برای نگهداری و بازپروری معتادان تشکیل شده بود که برای ۱۵ هزار نفر جا داشت، ولی از تعداد افراد ارجاع شده به آن اطلاع زیادی در دست نیست. (مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶) مدت اقامت معتادان اعزامی در تبعیدگاه

نامعلوم بود و مسئولان امر اظهار می داشتند تا زمانی که معتادان درس عبرت نگرفته و نسبت به ترک اعتیاد خود اقدام نکرده باشند، همچنان در جزیره باقی خواهند ماند. (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۷/۲۹) به تدریج اعتراضاتی نسبت به رفتار با معتادان در جزیره مطرح شد و به همین دلیل هیئتی از سوی قوه قضاییه مسئول بازرسی و تهیه گزارش از این مرکز شدند. یکی از اعضای این هیئت از خاطرات خود در این باره می گوید: ما برای بازدید از آن جزیره رفیقیم، هوا بسیار گرم بود و ما با هلی کوپتر از طریق بو شهر به راه افتادیم... و به اردوگاه رفیقیم. در درون اردوگاه به اکثر معتادان حتی نامه هم به ندرت می رسید، هیچ کدام پولی نداشتند، هیچ ارتباط بیرونی نداشتند و هیچ نوع ارتباط تلفنی و امثالهم وجود نداشت. نیروهای امنیتی آنجا هم تلفن نداشتند و با این طرف و آن طرف به وسیله بی سیم در ارتباط بودند و بالطبع معتادان هم نمی توانستند با هیچ کس ارتباط داشته باشند. در همان محیط ما دیدیم تعدادی از این معتادان در آن هوای گرم در محوطه اردوگاه لخت خوابیده‌اند و افراد دیگری، یک نفر با یک شیشه الکل و یکی با یک شیشه بتادین ایستاده و یک نفر با یک شیشه روغن این افراد را چرب کرده و آن دو نفر هم بدن آنها را که نیاز داشتند با الکل و بتادین شست و شو می دادند. مشخص بود که دچار امراض جلدی شده‌اند، امراضی مثل گال و بیماری‌های پوستی دیگر و خودشان با اجازه مسئولان خودشان را درمان می کنند. جالب این بود که عمده این افراد با وجود اینکه نه پولی داشتند و نه به جایی دسترسی داشتند، هنوز معتاد بودند و اعتیاد داشتند. آنها در آنجا عوض شده بود، آنها تفاله چایی را می سائیدند، بعد پرز موکت (موکت‌ها را آفت‌زد تراشیده بودند که نازک شده بودند) و آت و آشغال‌های دیگری که گیر می آوردند (مثل مقوا) را کاملاً مخلوط می کردند و آن محصول نهایی را دود می کردند، آن مخلوط (معجون مانند) را لای کاغذ و مقوا می بچیدند و مثل سیگار می کشیدند. به آنها سیگار هم داده نمی شد. نان نداشتند به آنها بدهند چه برسد به سیگار و پولی نداشتند و عمدتاً هم مریض بوده و دچار امراض جلدی بودند. این تجربه خوبی بود، فرد را در سخت‌ترین شرایط در آنجا نگهداری کنید و هنوز ترک نکرده باشد. بالاخره پس از مدتی بساط جزیره هم برچیده شد درحالی که حاصل آن هیچ‌گاه جمع‌بندی نشد. البته نتیجه اصلاً قابل قبول نبود و به همین دلیل هم آن طرح ادامه نیافت، اما بیست سال بعد دوباره نیروی نظامی به فکر افتاد که این پروژه را تکرار کند که با اعتراض گروهی از صاحب نظران موضوع منتفی شد.